



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه‌ی اصلی وب سایت مجله:
www.jqe.scu.ac.ir
شاپا الکترونیکی: 2717-4271
شاپا چاپی: 2008-5850



بررسی عوامل ساختاری و محیطی بر پویایی‌های بازار در صنایع مواد غذایی و آشامیدنی ایران

افسر عازم*¹، غلامرضا گرای‌نژاد**، علیرضا دقیقی اصلی***، علی اکبر خسروی‌نژاد****

* دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
** استادیار گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
*** استادیار گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
**** استادیار گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

طبقه‌بندی JEL: M13, L11, L26, C23

اطلاعات مقاله

واژگان کلیدی:

تلاطم صنایع، صرفه‌های مقیاس، نرخ ورود، نرخ خروج، ساختار بازار

ایرس پستی:

تهران، بزرگراه امام علی، شمال- بلوار ارتش شرقی محله سوهانک،
دانشکده حسابداری و اقتصاد، گروه اقتصاد، کد پستی: 1955847881

ارتباط با نویسنده (گان) مسئول:
ایمیل:

ariaazem@gmail.com

0000-0003-4942-9329

اطلاعات تکمیلی:

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی دکتری خانم افسر عازم در رشته اقتصاد به راهنمایی دکتر غلامرضا گرای‌نژاد، علیرضا دقیقی اصلی و علی اکبر خسروی‌نژاد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.
قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.
تضاد منافع: نویسنده مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منفعی وجود ندارد.
منابع مالی: نویسنده‌ها هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

چکیده

هدف محوری مطالعه حاضر، بررسی پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار صنایع مواد غذایی و آشامیدنی در ایران است. برای دستیابی به این هدف، از کد چهار رقمی (ISIC) داده‌های 15 صنعت فعال گروه مواد غذایی و آشامیدنی، در دوره زمانی 1398 - 1388 استفاده شده است. در کنار متغیرهای ساختار بازار؛ صرفه‌های مقیاس، نرخ ورود بنگاه به صنعت، نرخ خروج بنگاه از صنعت، نسبت تمرکز 4 بنگاه بزرگ، ... و متغیرهای محیطی؛ تولید ناخالص داخلی و تحریم، تأثیر متغیرهای نرخ ارز حقیقی، نااطمینانی نرخ ارز، تورم و نااطمینانی تورم به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل بررسی شده‌اند. روش اندازه‌گیری متغیرهای نااطمینانی در مدل، رویکرد ناهمسانی واریانس شرطی اتو رگرسیون تعمیم یافته (GARCH) می‌باشد. مدل نهایی نیز به صورت اثرات ثابت و به روش حداقل مربعات تعمیم یافته (FGLS) برآورد شده است. نتایج بدست آمده حاکی از تأثیر معنی‌دار عوامل ساختاری و محیطی و مطابق با مبانی نظری و مطالعات تجربی داخلی و خارجی بر پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در طی دوره مورد بررسی است. در مجموع نتایج نشان دهنده آن است که متغیر تحریم دارای بیشترین تأثیر منفی و صرفه‌های مقیاس دارای کمترین تأثیر منفی بر پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به صنعت مواد غذایی و آشامیدنی ایران است.

ارجاع به مقاله:

افسر، عازم، گزای نژاد، غلامرضا، نقیعی اصلی، علیرضا و خسروی نژاد، علی اکبر. (1401). بررسی عوامل ساختاری و محیطی بر پویایی‌های بازار در صنایع مواد غذایی و آشامیدنی ایران. فصلنامه اقتصادی مقدماتی (بررسی‌های اقتصادی سابق)، 19(4)، 67-91.



[10.22055/JQE.2021.32056.2197](https://doi.org/10.22055/JQE.2021.32056.2197)



© 2023 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

غیر قابل انتشار

1- مقدمه

صنایع مواد غذایی و آشامیدنی از مهم‌ترین زیر بخش‌های صنعت کشور است که بر اساس اطلاعات و آمار پایگاه اطلاع رسانی وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال 1398 از 1316453 نفر شاغلان بخش صنعت 24/04 درصد اشتغال و از تعداد 199400 کارگاه صنعتی با اشتغال کمتر از 5 نفر کارکن و بیش از 10 نفر شاغل 17/07 درصد از تعداد کارگاه‌های صنعتی را به خود اختصاص داده است. سهم ارزش سرمایه‌گذاری این بخش از سرمایه‌گذاری کل صنعت 931 میلیون تومان معادل 13/8 درصد از ارزش سرمایه‌گذاری بخش صنعت در کشور می‌باشد آمار و اطلاعات مذکور موید نقش و جایگاه صنایع مواد غذایی و آشامیدنی در بخش صنعت و اقتصاد ملی است، لیکن در طی سال‌های اخیر بخش صنایع مواد غذایی و آشامیدنی دستخوش نوسانات قابل توجهی در نرخ‌های رشد و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (توسعه و ایجاد بنگاه‌های تولیدی) بوده و این امر در صورتی است که موضوع امنیت غذایی یکی از مسائل مهم و استراتژیک بالاخص در دوران تحریم‌های اقتصادی کشور است کارایی پایین و قدرت رقابتی اندک تولیدات صنعتی نیز، علی‌رغم سهم و جایگاه بخش صنعت و زیر بخش‌های آن به عنوان محور رشد و توسعه اقتصادی است.

بر اساس مبانی نظری ورود بنگاه‌های جدید به بازار و تبدیل ایده‌های جدید به محصولات قابل عرضه در بازار، هسته اصلی رشد اقتصادی و بهره‌وری از کانال تخصیص مجدد منابع از سوی بنگاه‌های در حال افول و ورود بنگاه‌های در حال رشد به بازار است (Benedetti Fasil, Sanchez-Martinez, Christensen, & Robledo-Bottcher, 2017). همچنین تعیین سیاست‌های کارآفرینی به منظور تقویت رشد اقتصادی تلاشی جهت افزایش سرمایه کارآفرینی یا توان بالقوه یک اقتصاد برای ایجاد و گسترش بنگاه‌های جدید می‌باشد (Audretsch, 2007).

کمپ و لوتز (2006)، نیز دریافته‌اند که سازوکارهایی وجود دارد که مانع ورود بنگاه‌های جدید به بازار شده و از حصول دستاوردهای کارایی و پویایی‌های بازار ممانعت می‌نمایند (Couto & Barbosa, 2020). در این راستا زیگفرید و ایوانز (1994)، نشان دادند که عوامل گوناگونی منجر به خروج بنگاه‌ها از بازار می‌گردد (Siegfried & Evans, 1994).

ترک بازار به علت انتظار کاهش دائمی تقاضا یا کند شدن رشد تقاضا، عدم سودآوری و اثر جابجایی (جابجایی بنگاه‌های جدید) توسط کارآفرینان جدید با کارآمدی بالاتر؛ از این رو بنگاه‌ها در واکنش به تغییرات شرایط بازار با ورود و خروج خود به تغییرات بازار واکنش نشان می‌دهند. خروج بنگاه‌ها در صنعت رو به افول نیز بیش از صنعت در حال رشد رخ داده و رفتارهای ضد رقابتی مانند قیمت‌گذاری تهاجمی نیز بنگاه‌ها را مجبور به خروج از بازار خواهد ساخت (Bascunana-Ambros & Neto, 2019).

به همین علت در این پژوهش با عنایت به نقش و جایگاه صنایع مواد غذایی و آشامیدنی در اقتصاد ملی (ارزش افزوده، حجم سرمایه‌گذاری و اشتغال) حفظ و ایجاد زنجیره ارزش تولیدات صنعتی، حفظ امنیت غذایی و تعیین اثرگذاری متغیرهای کلان اقتصادی بر صنعت غذایی و آشامیدنی، پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار بر اساس کد چهار رقمی ISIC داده‌های 15 صنعت فعال صنایع مواد غذایی و آشامیدنی در دوره زمانی 1398 - 1388 با استفاده از متغیرهای ساختار بازار و عوامل موثر محیطی مورد بررسی قرار گرفته است تا از زاویه‌های دیگر عوامل موثر بر ورود و خروج به صنعت مواد غذایی و آشامیدنی مورد بررسی قرار گیرد. برای دستیابی به این هدف، مقاله در پنج بخش تدوین شده است. پس از مقدمه و در بخش دوم ابتدا مبانی نظری و سپس پیشینه تحقیق معرفی خواهد شد. در بخش سوم روش پژوهش، بیان مدل و معرفی متغیرها و داده‌ها ارائه خواهد شد. در بخش چهارم نیز

تفسیر نتایج و یافته‌های مدل مورد بررسی قرار گرفته در بخش پنجم نیز جمع بندی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

2- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

2-1- مبانی نظری

میسن¹ (1939) و شاگردان او جزء اولین اقتصاددانانی بودند که مکتب ساختارگرایی² را بنیان نهادند. میسن از میان عناصر سه گانه بازار بر اهمیت ساختار تاکید داشت. بن³ (1959)، نیز پس از وی با معرفی مفهوم موانع ورود به بازار و تأثیر آن بر رفتار و عملکرد اقتصادی بنگاه‌ها بر اهمیت ساختار بازار صحه گذاشت. استیگلر⁴ (1968)، بر اساس مکتب شیکاگو- یو. سی. ال. ای جهت علیت را از سمت عنصر عملکرد به ساختار ارزیابی و مفهوم مانع ورود⁵ را با تمرکز بر هزینه‌های اضافی که بنگاه‌های تازه وارد نسبت به بنگاه‌های موجود باید پرداخت نمایند تبیین نمود. دنیز کالتون و جفری بیرلف⁶ (1994)، نیز هر چیزی را که مانع از کارآفرینی و ورود یک بنگاه جدید به بازار باشد را مانع ورود نامیدند (McAfee, Mialon, & Williams, 2004).

علت و منشأ موانع ورود به بازار به دو گروه قابل تفکیک است: علل طبیعی یا غیر ارادی و علل مصنوعی یا ارادی: علل طبیعی آن دسته از عوامل هستند که به طور طبیعی و مستقل از رفتار بنگاه‌های قدیمی عمل می‌نمایند. نیاز به تجهیزات سرمایه‌ای هنگفت؛ در ارتباط با ایجاد بنگاه، صرفه‌های ناشی از مقیاس، صرفه‌های فنی و پولی، تفاوت کالا و ... از جمله عوامل طبیعی و اقدامات تلافی‌جویانه و بازدارنده از طریق استفاده از قیمت و سایر امکانات در دسترس، ظرفیت مازاد به منظور تهدید بنگاه‌های بالقوه، اقدام برای کسب تسلط بر منابع استراتژیک و اساسی، هزینه‌های ارتقای فروش، عرضه کالا به بازار با دست‌مبندی و طرح‌های مختلف و ... از جمله عوامل مصنوعی، ارادی و راهبردی موانع ورود به شمار می‌آیند (Khodadad-Kashi, 2011, 236-240). مطالعات شاپیرو و کمانی (1987)، نیز موید وجود تقارن معنی‌داری میان نرخ خروج و ورود بنگاه‌ها به بازار است (Shapiro & Khemani, 1987).

آگاروال و گورت (1996)، نیز نشان دادند که مراحل تکاملی از چرخه عمر محصول نقش کلیدی در تعیین نرخ ورود و خروج بنگاه‌ها از بازار داشته و نرخ ورود تحت تأثیر تغییرات مربوط به نرخ پیشرفت فنی است (Agarwal & Gort, 1996).

فوتوپولوس و اسپنس (1998)، نیز نشان دادند که ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار با هم؛ هم‌زمانی داشته به گونه‌ای که ورود بنگاه‌های جدید منجر به خروج بنگاه‌های قدیمی خواهد شد. همچنین خروج بنگاه‌ها از بازار فضای بیشتری را برای ورود بنگاه‌های جدید به بازار ایجاد خواهد ساخت (Fotopoulos & Spence, 1998). بسلی و همیلتون (1984) نیز تاکید داشتند که در مسیر تکامل چرخه عمر محصول بسیاری از بنگاه‌ها به واسطه آزمون و خطا وارد بازار می‌شوند (Beesley & Hamilton, 1984).

¹ Mason

² Stecturalist

³ Bane

⁴ Stigler

⁵ Barrier to Entry

⁶ Dennis Carlton & Jeffery Perl off

این نتیجه در مطالعه کابرا⁷ (1997) و ویارلی⁸ (2004)، تحت عنوان اشتباهات ورود به علت برآورد بیش از حد از نرخ رشد صنعت و کارایی بنگاه در بازار ذکر شده است. آدرتس⁹ (1995) نیز این پدیده را در چرخان¹⁰ نامید (Baptista & Karaöz, 2011).
پیشینه نظری گسترده‌ای در رابطه با پویایی، پدیده تلاطم یا بهم ریختگی¹¹ و شدت انتخاب بازار وجود دارد. تلاطم (نرخ ورود و بعلاوه نرخ خروج) را می‌توان رویکردی جهت تکامل صنعت از طریق انتخاب بازار توسط بنگاه‌های موفق در بازار به دو روش زیر تبیین نمود:
- فرآیندی که بنگاه‌های تازه‌وارد به بازار با موفقیت رو به رو شده و متعاقبا بنگاه‌های ضعیف را وادار به خروج از بازار از طریق جابه‌جایی¹² می‌سازند و بنگاه‌های جدید خلاءهای ایجاد شده ناشی از خروج بنگاه‌های خارج شده از بازار را پر می‌کنند را جایگزینی¹³ نام گذاری کردند.
- ورود بنگاه‌های جدید و ورود بنگاه‌های که به واسطه آزمون و خطا وارد بازار می‌شوند.
خروج بنگاه‌های که کارایی خود را از دست داده و فناوری آن‌ها منسوخ شده است (Baptista & Karaöz, 2011).

ماتا و همکاران (1995)، نیز در مطالعه خود نشان دادند که موفقیت بنگاه‌های تازه وارد به بازار وابسته به رشد و تعدیل اندازه صنعت تا دسترسی به حداقل مقیاس کارآمد است (Mata, Portugal, & Guimaraes, 1995). این نتیجه سازگار با استدلال لوکاس (1987)، مبنی بر وجود ارتباط مقیاس بنگاه با کارایی نسبی بنگاه است (Lucas 1987). از سوی دیگر باتچ و اسمیلی (1992)، نیز نشان دادند که مقیاس بهینه تولید صنایع بزرگ، ورود به صنعت را برای بنگاه‌های جدید و تازه وارد به صنعت به علت مشکلات دستیابی به کارایی عملیاتی کاهش داده و این امر بر تلاطم صنعت اثر خواهد گذاشت (Bunch & Smiley, 1992).

تمرکز نیز یکی از جنبه‌ها و ابعاد مهم ساختار بازار است که بسیاری از دانشمندان در کارهای تجربی خود از این متغیر برای شناسایی ساختار بازار استفاده می‌نمایند. تحلیل تمرکز بازار زمینه مناسب برای فهم بهتر ارتباط عناصر ساختاری و عملکردی بازار را فراهم می‌آورد. با بررسی بازارها با تکیه بر این دیدگاه بهتر می‌توان علل بروز رفتارهای رقابتی و یا غیر رقابتی را تشخیص داد. علت وجود قدرت بازاری نزد یک یا چند بنگاه برتر را در بسیاری موارد با مطالعه تمرکز بازار و نکات ظریف و پیچیده مرتبط با آن می‌توان دریافت. سطح تمرکز در بازار را می‌توان از شاخص‌های مانند نسبت تمرکز n بنگاه بزرگ، معکوس تعداد بنگاه‌های بازار، هانا - کی و شاخص آنتروپی محاسبه کرد. در این راستا همچنین اشمالنسی (1988)، در مطالعه خود نشان داد که بر اساس مبانی نظری، یک رابطه معکوس بین تمرکز و نرخ ورود و خروج بنگاه به بازار وجود دارد (Schmalensee, 1988).

2-2- پیشینه تحقیق

آستوریاس و همکاران (2021)، در کار تحقیقی خود با استفاده از داده‌های کد چهار رقمی ISIC صنعت کشورهای کره جنوبی و شیلی در سه بازه زمانی 1998 - 1995، 2006 - 2001 و 2014 - 2009 نشان دادند که بخش قابل توجهی از رشد بهره‌وری کل به دلیل ورود و خروج بنگاه‌ها در طول دوره‌های رشد سریع اقتصادی در مقایسه با دوره‌های رشد آهسته اقتصادی است (Asturias, Hur, Kehoe, & Ruhl, 2017).

⁷ Cabra

⁸ Vivarelli

⁹ Audretsch

¹⁰ Revolving Door

¹¹ Churning

¹² Displacement

¹³ Replacement

ایکساندرا و باربوسا (2020)، بر اساس اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه برداشت یکصد و شصت و هشت بنگاه از موانع ورود در کشور پرتغال را بررسی و دریافتند که موانع ساختاری و استراتژیک هر دو برای تصمیم‌گیری بنگاه‌ها مهم بوده و اثر بخشی موانع استراتژیک به ویژگی‌های ساختار بازار بستگی دارد (Couto & Barbosa, 2020).

ژاویت و وجوسا (2019)، در پژوهش خود با پرسش از 107 مدیر اجرایی بنگاه‌های صنعتی در کشور جمهوری کوزوو به کمک الگوی اقتصاد سنجی دریافتند که استفاده از موانع ورود به بازار دارای تأثیر معنی‌داری بر سودآوری بنگاه‌های مستقر در بازار است (xhavit, Vjosa, 2019).

پنگ (2019)، در مطالعه خود با استفاده از داده‌های بنگاه‌های اقتصادی و در چارچوب الگوی تعادل عمومی در بازه زمانی 20110 - 1990 نشان داد که اصلاحات ساختاری همراه با کاهش موانع ورود به بازار هم‌زمان با توسعه بخش مالی منجر به رشد کسب و کارها و افزایش رقابت به واسطه ورود بنگاه‌های جدید به بازار در چین شده است (Peng, 2019).

مک گوان و اندروز (2016)، به بررسی سیاست‌های خروج از بازار بنگاه‌های ورشکسته و رشد بهره‌وری و شناسایی راهکارهایی که از طریق آنها رشد بهره‌وری عوامل با تجدید ساختار و استفاده از منابع نایاب توسط بنگاه‌های کارآمد با اختصاص منابع از بنگاه‌های ناموفق در کشورهای OECD سرعت می‌گیرد پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشانگر آن است که به کمک نظام‌های ورشکستگی خروج بنگاه‌های ورشکسته از بازار سرعت گرفته و منابع اقتصادی آزاد شده برای تجهیز بنگاه‌های جدید مهیا خواهد شد (McGowan & Andrews, 2016).

روساد (2015)، در مقاله خود به بررسی موانع ورود در مقابل استراتژی رقابتی پرداختند و استدلال نمودند که مازاد سود در صنعت نتیجه رقابت نبوده بلکه به علت بهره‌مندی بنگاه‌های موجود از قدرت بازاری است و با افزایش رقابت سود اضافی از بین خواهد رفت (Rosado-Cubero, 2015).

مارسیو ریسیندی و همکاران (2015)، به کمک داده‌های کد چهار رقمی ISIC 231 صنعت کشور برزیل در طی سال‌های 2005 - 1996 با استفاده از روش پانل پویا به بررسی ارتباط دینامیکی ورود و خروج بنگاه به صنعت پرداختند. شواهد حاکی از تأثیر رقابت مربوط به انتخاب فرآیند کارایی و خروج از صنعت است. همچنین نتایج ناهمگونی قابل توجهی را در بخش‌ها و در طول زمان نشان می‌دهد. از جمله آن که میانگین نرخ‌های ورود از 23 درصد تا 15/9 درصد و میانگین نرخ خروج از 19/2 تا 12/6 درصد در حال نوسان و تغییر است (Resende, Ribeiro, & Zeidan, 2015).

سونمز (2013)، در پژوهش خود نشان داد که تفاوت چشمگیری در احتمال بقاء بنگاه‌ها در بازار با توجه به اندازه آن‌ها وجود دارد بنگاه‌های که اغلب صنعت را ترک می‌کنند، کوچک و جوان و بنگاه‌های قدیمی عموماً بزرگ و با نرخ بقای بالاتری هستند. نتایج همچنین حاکی از آن است که در اوایل چرخه عمر محصول نرخ ورود بنگاه‌ها به بازار به بالاترین حد خود می‌رسد (Sönmez, 2013).

اوزتورک و کیلیک (2012)، با استفاده از داده‌های کد چهار رقمی ISIC و مدل توبیت در دوره زمانی 2001 - 1995 نشان دادند که سیاست‌های کلان اقتصادی ترکیه نقش مهمی در تصمیم‌گیری برای ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار دارد (Ozturk & Kilic, 2012).

باپتیستا و کارائوز (2011)، با استفاده از داده‌های 319 بنگاه صنعتی در دوره زمانی 1993 - 1986 در پرتغال با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت، به روش حداقل مربعات تعمیم یافته¹⁴ در مدلی تبیین شده بر اساس چارچوب مطالعات تجربی و مبانی نظری دریافتند که ارتباط معنی‌داری میان نرخ ورود و خروج به صنعت با متغیرهای ساختار بازار و متغیر سیکل‌های تجاری به عنوان متغیر کلان اقتصادی وجود دارد (Baptista & Karaöz, 2011).

محسن پور عبادالهان کوپچ و همکاران (2020)، در بررسی خود با استفاده از شاخص‌های هر فیندل - هریشمن، نسبت تمرکز K بنگاه و هانا - کی بر اساس کل تسهیلات اعطایی و کل سپرده 19

¹⁴ Feasible Generalized Least Squares

بانک ایرانی در دوره زمانی 1396 - 1387 به مطالعه ساختار بازار صنعت بانکداری در ایران پرداختند. نتایج نشانگر روند کاهشی انحصار و حرکت به سمت رقابت در این بازار است (Pourabadolhan, Fallahi & Ebrahimi, 2020).

براخلصی (2019)، در مطالعه خود بر اساس داده‌های بنگاه‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به بررسی ارتباط میان موانع ورود به بازار، شدت تمرکز صنعت و تعداد بنگاه‌های فعال و اطلاعات نامتقارن در بنگاه‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود ارتباط معنی‌دار میان قابلیت جانشینی کالاها، اندازه بازار و موانع ورود با اطلاعات نامتقارن است (Brakhasi, 2019).

کرانی و شهیکی تاش (2017)، در پژوهش خود به اندازه‌گیری شاخص نسبت مضار هزینه‌ای¹⁵ (CDR) و خالص درجه ورود، در بخش صنعت ایران در بازه زمانی 1387 - 1374 با استفاده از داده‌های و اطلاعات کد دو رقمی¹⁶ (ISIC) صنعت پرداخت. نتایج مطالعه حاکی از آن است که شدت تمرکز، شدت تبلیغات، هزینه‌های تحقیق و توسعه، نرخ بازده و صرفه‌های مقیاس اثر منفی بر خالص درجه ورود بنگاه‌ها و اثر مثبت بر شاخص نسبت مضار هزینه‌ای در بازارهای صنعتی ایران دارد (Karani, Shahikitash, 2017).

خدادادکاشی و همکاران (2016)، در مطالعه جامع خود با استفاده از داده‌های 131 صنعت کد چهار رقمی ISIC در طی سال‌های 1386 - 1375 نشان دادند که درصد قابل توجهی از صنایع ایران از درجه تمرکز نسبی و موانع ورود بالایی برخوردارند. همچنین درصد قابل توجهی از صنایع از صرفه‌های مقیاس برخوردار نیستند. (Khodadad. Kashi, Nourani & Gorji, 2016)

خدادادکاشی و همکاران (2015)، با استفاده از داده‌های کد چهار رقمی ISIC دوره 1390 - 1370 به کمک روش داده‌های پانل به بررسی رقابت و مقایسه تطبیقی قدرت بازاری در صنعت لاستیک و پلاستیک در ایران پرداختند. نتایج مطالعه حاکی از وجود ساختار رقابت ناقص در این صنعت می‌باشد (Khodadad. Kashi, Nourani & Ground, 2015).

شهیکی تاش و همکاران (2015)، در مقاله خود به بررسی ساختار بازار، درجه قدرت بازار و ضریب تبتانی در صنایع مواد غذایی و آشامیدنی بر اساس روش سازمان صنعتی نوین و با رویکرد برسانهان و لنو به کمک داده‌های کد چهار رقمی ISIC طی سال‌های 1390 - 1370 پرداختند. نتایج مطالعه حاکی از وجود شرایط غیر رقابتی برای 18 صنعت از 19 صنعت مورد مطالعه است. در این میان صنعت تولید روغن و چربی دارای بازار انحصار کامل است (Shahiki, Gholipour & Mohammadzadeh, 2015).

جلالوند و شهیکی تاش (2014)، در مطالعه خود بر اساس داده‌های کد چهار رقمی ISIC در طی دوره 1387 - 1381 به کمک داده‌های ترکیبی دریافتند که ارتباط معنی‌داری میان حجم نسبی مالیات دریافتی از بنگاه‌های صنعتی و شاخص تمرکز، شدت موانع ورود و صرفه‌های مقیاس وجود دارد (Jalalvand, Shahiki, 2014).

سهیلی و همکاران (2014)، در مطالعه خود به بررسی ارتباط میان تمرکز صنعتی در 22 صنعت مواد غذایی و آشامیدنی و کارایی مقیاس در ایران در سال‌های 1376 - 1386 به کمک مدل پانل با استفاده از روش 2SLS پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که افزایش تمرکز کارایی را در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در طی دوره مورد مطالعه کاهش داده است (Soheili, Fattahi, 2014).

دهقانی (2014)، در مطالعه خود با استفاده از داده‌های کد چهار رقمی ISIC در 23 صنعت فعال مواد غذایی و آشامیدنی در دوره زمانی 1390 - 1379 به بررسی تأثیر هزینه تحقیق و توسعه، درجه تمرکز، هزینه تبلیغات و سودآوری بر سهم بازار در بنگاه‌های بزرگ تولیدی صنایع غذایی و

¹⁵ Cost disadvantages ratio

¹⁶ International Standard Industrial Classification

آشامیدنی پرداخت. نتایج مطالعه حاکی از آن است که متغیرهای هزینه تبلیغات، هزینه تحقیق و توسعه و درجه تمرکز دارای تأثیر مثبت بر سهم بازار در دوره مورد بررسی است (Dehghani, 2014). بررسی طیف گسترده از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مطالعات انجام شده در رابطه با ساختار بازار اغلب به بررسی سطح تمرکز، موانع ورود، رقابت و انحصارات در بازار پرداخته‌اند و عوامل موثر محیطی در کنار عوامل ساختاری به طور همزمان علاوه بر اهمیت و نقش عوامل محیطی بر پویایی‌های بازار و انگیزه ورود و خروج از بازار مورد بررسی قرار نگرفته است لذا با توجه به خلاء موجود در مطالعات پیشین برای نخستین بار عوامل موثر محیطی و ساختاری بر تلاطم و انگیزه‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در سطح داده‌های کد 4 رقیمی (ISIC) در طی دوره 1388 - 1398 در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است.

3- روش پژوهش

3-1- بیان مدل

در این مقاله علاوه بر تکیه بر مبانی بنوری و پژوهش باپتیستا و کارائوز (2011) از متغیرهای تأثیرگذار بر محیط اقتصاد کلان مانند نرخ تورم، نرخ ارز واقعی، نااطمینانی نرخ ارز واقعی و نااطمینانی نرخ تورم به عنوان متغیرهای کنترلی برای تصریح مدل پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به صنعت مواد غذایی و آشامیدنی به شرح رابطه (1) استفاده شده است:

(1)

$$\begin{aligned} & Ln_{TURBULENCE_{it}} \\ & Ln_ENTRY_{it} + Ln_EXIT_{it} = \beta_0 + \\ & \beta_1 Ln_n_ENTRY_{it-1} + \beta_2 Ln_EXIT_{it-1} + \beta_3 Ln_G_t + \\ & \beta_4 Ln_EXR_t + \beta_5 Ln_MES_{it} + \beta_6 Ln_CR4_{it} + \beta_7 Ln_Share5_t + \\ & \beta_8 Ln_GDPR_t + \beta_9 Ln_inflation_r_t + \beta_{10} Ln_garchinf_t + \\ & + \beta_{12} Ln_garche_t - \beta_{11} SanctionDM_t \end{aligned}$$

که i : نشان دهنده صنعت مورد نظر بر اساس تقسیم‌بندی کد ISIC: 15 و 000 و 3 و 2 و 1 = T نشان دهنده زمان است.

برای محاسبه نااطمینانی نرخ ارز واقعی و نااطمینانی نرخ تورم از رویکرد الگوی واریانس ناهمسانی شرطی اتورگرسیو تعمیم یافته (GARCH) بهره گرفته‌ایم.

3-2- معرفی متغیرها و داده‌ها

$L_Ln_ENTRY_{it-1}$: این متغیر از فرم لگاریتم تاخیری، نسبت بنگاه‌های تازه‌وارد به صنعت i مواد غذایی و آشامیدنی در زمان t به موجودی بنگاه‌های وارده به صنعت i مواد غذایی و آشامیدنی تا سال $t-1$ بدست آمده است.

$L_Ln_EXIT_{it-1}$: این متغیر از فرم لگاریتم تاخیری نسبت بنگاه‌های خارج شده از صنعت i مواد غذایی و آشامیدنی در زمان t به موجودی بنگاه‌های خارج شده از صنعت i مواد غذایی و آشامیدنی تا سال $t-1$ بدست آمده است.

$$\text{Ln_TURBULENC}_{it}$$

$\text{Ln_ENTRY}_{it} + \text{Ln_EXIT}_{it}$: متغیر لگاریتم تلاطم از مجموع نرخ‌های ورود به صنعت i مواد غذایی و آشامیدنی و نرخ‌های خروج از صنعت i بدست آمده است.

Ln_MES_{it} : شاخص صرفه‌های مقیاس¹⁷ به عنوان متغیر مانع ورود به بازار به کمک روش‌های متنوعی چون تحلیل سودآوری، روش‌های آماری از قبیل فلورنس، کومانورو ویلسون، روش بازمانده استیگر، دلفی و تکنیک‌های اقتصادسنجی قابل اندازه‌گیری است. در این مطالعه برای اندازه‌گیری صرفه‌های مقیاس از روش زیر استفاده کرده‌ایم:

$$\text{MES}_{it} = \sum_{j=1}^N \left(\frac{A_j}{n_j} \right) \times \left(\frac{A_j}{A} \right) \quad (2)$$

N تعداد بنگاه‌های فعال در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی، A_j مجموع تعداد شاغلان صنعت از نوع j و n_j تعداد بنگاه‌های فعال در صنعت j و A مجموع کل شاغلان صنعت مواد غذایی و آشامیدنی است.

برای محاسبه شاخص صرفه‌های مقیاس و متغیرهای نرخ ورود به صنعت مواد غذایی و آشامیدنی، نرخ خروج از صنعت مواد غذایی و آشامیدنی و تلاطم از روش بابتیستا و کارائوز (2011) در این مطالعه استفاده شده است (Baptista & Karaöz, 2011).

Ln_CR4_{it} : شاخص نسبت تمرکز 4 بنگاه بزرگ به عنوان متغیر ساختار بازار، برای سنجش میزان مانع ورود اندازه‌گیری و در مدل استفاده شده است.

که در آن، $\sum X_i$ مجموع ارزش تولید 4 بنگاه بزرگ و X ارزش کل تولیدات صنعت مواد غذایی و آشامیدنی است. این شاخص بر اساس داده‌های اشتغال، ارزش افزوده و فروش بنگاه قابل اندازه‌گیری است (Khodadad, Kashi, 1998: 106-107). در این مقاله برای محاسبه این شاخص از داده‌های اشتغال و فرم لگاریتمی شاخص استفاده شده است.

$$\text{CR4} = \frac{\sum_{i=1}^4 X_i}{X} \quad (3)$$

Ln_G : به دلیل در دسترس نبودن نرخ رشد صنعت مواد غذایی و آشامیدنی بر اساس کد چهار رقمی ISIC از نرخ رشد¹⁸ سالیانه اشتغال صنعت مواد غذایی و آشامیدنی و فرم لگاریتمی به عنوان جایگزین در این مطالعه استفاده کرده‌ایم.

Ln_Share5_t : لگاریتم شاخص سهم بنگاه‌های دارای شاغل کمتر از 5 نفر به عنوان معیاری، جهت بررسی میزان تلاطم بنگاه‌های خرد در مدل استفاده شده است. در این مدل منظور از:

Ln_inflation : لگاریتم نرخ تورم،

Ln_GDPR : لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی،

Ln_garchif : لگاریتم نااطمینانی نرخ تورم،

Ln_garchexr : لگاریتم نااطمینانی نرخ ارز،

Ln_exr : لگاریتم نرخ ارز واقعی

و SanctionDM_t : متغیر مجازی تحریم برای اندازه‌گیری اثر ممانعت از دسترسی به ابزار مالی سوئیفت¹⁹ در مدل به کار رفته است.

همچنین برای محاسبه نرخ ارز حقیقی RER^{20} نیز از رابطه زیر استفاده شده است.

¹⁷ Minimum efficient scale

¹⁸ growth rate

¹⁹ Interbank Financial Telecommunication Society for Worldwide

$$RER = \frac{E \times cpi^*}{cpi} \quad (4)$$

که در آن منظور از E نرخ ارز بازار آزاد، cpi^* شاخص قیمت مصرف کننده آمریکا و cpi شاخص قیمت مصرف کننده در ایران می‌باشد.

در این پژوهش داده‌های آماری شاخص قیمت مصرف کننده آمریکا از سایت WDI²² و شاخص قیمت مصرف کننده ایران و نرخ ارز بازار آزاد برای دوره مورد بررسی از سایت بانک مرکزی استخراج شده است. قابل ذکر است داده‌ها و اطلاعات مربوط به سایر متغیرها از وزارت صنعت، معدن و تجارت و اطلاعات کارشناسان دفتر تخصصی این وزارت اخذ شده است

از سوی دیگر با توجه به استفاده از الگوی داده‌های تابلویی در این پژوهش لزوم بررسی وجود وابستگی مقطعی در پانل با استفاده از آزمون‌های متداول بروش و پاگان²³ (1980) و پسران²⁴ (2004) جهت مشخص ساختن نوع آزمون‌های مانایی متغیرهای مورد استفاده در مدل ضروری است. بهره‌گیری از ریشه واحد مورد استفاده در سری‌های زمانی برای داده‌های پانل به معنای پذیرش همگن بودن برش‌های مقطعی پانل می‌باشد. اما اگر هر برش مقطعی از پانل دارای شرایط خاص خود باشد آزمون‌های ریشه واحد باید این ناهمگنی را در نظر گیرند. آزمون‌های فیشر - دیکی فولر تعمیم یافته، لوین، لین و چو (LLC)، هریس، ایم، پسران و شین (IPS)، برتونگ، فلیپس پرون و هدری از جمله آزمون‌های مانایی در داده‌های ترکیبی هستند که در آزمون‌های LLC، هریس-تزاوالیس²⁵ برتونگ²⁶، و هدری²⁷ فرض بر آن است که فرایندهای ریشه واحد میان مقاطع یکسان هستند اما در آزمون‌های دیگر فرض متفاوت بودن این فرایند حاکم می‌باشد. لذا بر اساس نتیجه آزمون پسران (2004) در این پژوهش از آزمون‌های، فیشر - دیکی فولر تعمیم یافته، ایم، پسران و شین (IPS) برای بررسی مانایی متغیرهای توضیحی مدل و بررسی مشکل رگرسیون خطی استفاده شده است (Baltagi, 2008).

4- یافته‌های و نتایج

هدف محوری این پژوهش بررسی عوامل موثر محیطی و ساختاری بر پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی ایران در طی دوره زمانی 1398 - 1388 می‌باشد. در این راستا با بهره‌گیری از مدل اقتصادسنجی الگوی داده‌های تابلویی²⁸ و با استفاده از روش (FGLS) به بررسی پویایی‌های بازار ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار صنعت مواد غذایی و آشامیدنی پرداخته‌ایم. با توجه به الگوی داده‌های تابلویی جهت بررسی وجود وابستگی مقطعی در پانل، ابتدا آزمون پسران (2004) انجام و بر اساس نتایج آزمون جدول (1) وجود وابستگی مقطعی در پانل با توجه به مقدار آماره آزمون، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود وابستگی مقطعی در سطح رد شد.

جدول 1. نتیجه آزمون وابستگی مقطعی
ماخذ: محاسبات تحقیق

Table 1. Cross-sectional dependence test
Research results: Source

نوع آزمون	مقدار آماره آزمون	سطح معناداری (PV)
-----------	-------------------	-------------------

²⁰ Real exchange rate

²¹ Consumer price index

²² World Development Indicators

²³ Breusch & Pagan

²⁴ Pesaran

²⁵ Harris- Tzavalis

²⁶ Breitung

²⁷ Hadri

²⁸ Panel data

0/0372	-2/084	پسران (CD)
--------	--------	------------

جهت بررسی مانایی داده‌های آماری با توجه به نتیجه آزمون پسران و برای جلوگیری از برآورد رگرسیون جعلی از آزمون‌های ریشه واحد ایم، پسران و شین (IPS) و فیشر - دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شده است در جدول (2) نتایج مانایی متغیرهای مدل به کمک آزمون‌های ریشه واحد ارائه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که کلیه متغیرها به جز لگاریتم ناطمینانی نرخ تورم، لگاریتم نرخ ارز واقعی و لگاریتم تولید ناخالص واقعی مانا بوده و این سه متغیر نیز پس از یک مرتبه تفاضل‌گیری مانا می‌باشند.

جدول 2. نتایج آزمون ریشه واحد
ماخذ: محاسبات تحقیق

Table.2 The Unit Root Test Results
Source: Research results

سطح معناداری (PV)			متغیر
نتیجه آزمون	آزمون ایم، پسران و شین	فیشر - دیکی فولر تعمیم یافته	
مانا	(0/0043)-2/63	54/91 (0/0017)	L_Ln_enter
مانا	(0/0094) -2/35	(0/0205) 47/85	Ln_g
مانا	(0/0114) -2/28	(0/0114) 47/75	Ln_trbulence
مانا	(0/0724) -1/46	24/75 (0/0533)	L_Ln_exit
مانا	145/3 (0/000)	-9/4 (0/000)	Ln_garcgexr
نامانا	(0/635)0/3192	2/52 (1/000)	Lnexr
نامانا	(0/571)0/1779	/3445 (1/000)	Ln_gdpr
نامانا	(0/056) -1/59	6/24 (1/000)	Ln_garchif
مانا	-4/2 (0/000)	66/2 (0/000)	Ln_CR4
مانا	-5/7 (0/000)	115/7 (0/000)	Ln_MES
مانا	-4/8 (0/000)	87/4 (0/000)	Lnshare5
مانا	(0/000) -4/4	75/25 (0/000)	Ln_inflation

بررسی وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها نیز به کمک آزمون کائو²⁹ انجام شده است. فرضیه صفر این آزمون حاکی از عدم وجود رابطه تعادلی بلند مدت بین متغیرها در مدل است. بر اساس نتیجه آزمون جدول (3) فرضیه صفر رد و نتیجه آزمون نشانگر وجود رابطه تعادلی بلندمدت است.

جدول 3. نتایج حاصل از آزمون کائو
ماخذ: محاسبات تحقیق

Table 3: Results of Kao test
Research results: Source

ADF	آزمون کائو	
	سطح معناداری (PV)	آماره t
	0/0003	-3/4616

به منظور بررسی امکان استفاده از الگوی پانل با داده‌های یکپارچه از آزمون اف- لیمر استفاده شده است. رد فرضیه صفر این آزمون به معنی استفاده از روش داده‌های تابلویی و عدم رد فرضیه نشانگر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی با داده‌های تلفیقی³⁰ است. آزمون اف- لیمر جدول (4) بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش داده‌های تابلویی برای مدل مورد بررسی است.

جدول 4. نتایج حاصل از آزمون اف- لیمر
ماخذ: محاسبات تحقیق

Table 4: Results FLimer test
Source: Research results

سطح معناداری (PV)	آماره t
0/0046	-2/53

در این مرحله از بین دو روش تخمین داده‌های تابلویی روش اثرات ثابت³¹ و تصادفی³² باید یک روش انتخاب شود. لذا جهت تعیین روش برآورد از آزمون هاسمن³³ در این مقاله استفاده کردیم. رد فرضیه صفر در این آزمون بیانگر استفاده از روش اثرات ثابت و عدم رد آن به معنای استفاده از روش اثرات تصادفی است. آزمون هاسمن جدول (4) نشانگر رد فرضیه صفر و کاراتر بودن روش اثرات ثابت نسبت به اثرات تصادفی است.

جدول 5. نتیجه حاصل از آزمون هاسمن
ماخذ: محاسبات تحقیق

Table 5: Results of Hausman test
Source: Research results

نتیجه	سطح معناداری (PV)	آماره هاسمن
انتخاب روش اثرات ثابت	0/0000	92/24

به منظور بررسی وجود خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس نیز به ترتیب از آزمون‌های ولدریج و والد تعدیل شده استفاده کردیم. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی حاکی از سطح معنی‌داری

²⁹ kao

³⁰ Pool Data

³¹ Fixed Effects Model

³² Random Effects Model

³³ Hausman

کمتر از 5 درصد است. بر اساس جدول (6) فرضیه‌های صفر مبنی بر خودهمبستگی و برابری واریانس رد و وجود مشکل خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در مدل تایید می‌شود.

جدول 6. نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی
ماخذ: محاسبات تحقیق

Table 6: Results of Heteroskedasticity test and Serial correlation test
Source: Research results

نتیجه	مقدار	سطح معناداری (PV)	آزمون
ناهمسانی واریانس وجود دارد	163/48	0/0000	والد تعدیل شده
خودهمبستگی وجود دارد	18/681	0/0008	ولدریج

بر اساس نتایج جدول 6 مبنی بر وجود مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در مدل، برآوردهای (OLS) کارا نبوده به همین علت برآورد مدل با روش (FGLS) انجام گرفت. نتایج برآورد مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت به روش (FGLS) در جدول (7) ارائه شده است.

جدول 7. نتایج برآورد مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت به روش FGLS طی دوره 1388-1398
ماخذ: محاسبات تحقیق

Table 7: Results of Estimating Panel Data Model with Fixed Effects by FGLS Method 2009 to 2019

Source: Research results

Z	ضریب	متغیر
(0/000) 4/59	0/368	L_ln_enter
(0/092) 1/68	0/0992	L_Inexit
(0/000) 6/06	-0/869	Sanction
(0/786) -0/27	-0/0066	Ln_MES
(0/345) -0/95	-0/038	Ln_CR4
(0/000) 4/47	26/79	Lnshare5
(0/002) -3/07	-0/513	Ln-garchif
(0/000) 3/77	4/51	Ln_gdpr
(0/000) -7/35	-1/51	Ln_inflation
(0/012) 2/52	0/566	Ln_g
(0/119) 1/56	1/79	Ln_garcgexr
(0/000) 5/77	3/03	Ln-exr

ضرایب بدست آمده برای نرخ ورود بنگاه‌ها به بازار صنایع مواد غذایی و آشامیدنی و نرخ خروج بنگاه‌ها از بازار سازگار با مبانی تئوریک و دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر میزان تلاطم و پویایی‌های بازار صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در دوره مورد بررسی است. ضریب شاخص صرفه‌های مقیاس به عنوان معیاری برای سنجش مانع ورود به بازار نیز سازگار با مبانی تئوریک و دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر تلاطم و پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار صنایع مواد غذایی و آشامیدنی است. مقدار ضریب بدست آمده برای این شاخص به میزان (-0/0066) نشانگر عدم بهره‌مندی صنعت مواد غذایی و آشامیدنی کشور از مزایای صرفه‌های مقیاس است. نتیجه بدست آمده در این بررسی در راستای نتیجه

مطالعه فیض پور و همکاران (1392)، مبنی بر فعالیت بیش از 90 درصد بنگاه‌های صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در اندازه کمتر از صفرهای مقیاس است (Feizepour, Lotfi & Emami, 2013). ضریب بدست آمده برای متغیر سهم بنگاه‌های دارای شاغل زیر 5 نفر کارکن نیز مثبت و معنی‌دار است که نشان دهنده تأثیر مثبت این متغیر بر میزان تلاطم و پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار صنایع مواد غذایی و آشامیدنی در دوره زمانی مورد مطالعه است. ضریب نسبت 4 بنگاه بزرگ صنعت غذایی و آشامیدنی نیز به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تمرکز و انحصار در این بازار منفی و معنی‌دار و سازگار با مبانی تئوریک و مطالعات تجربی داخلی و خارجی است. ضرایب مربوط به متغیرهای نرخ تورم و ناطمینی نرخ تورم به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل نیز دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر تلاطم و پویایی‌های ورود و خروج به بازار صنایع مواد غذایی و آشامیدنی در دوره مورد بررسی است. شاه‌آبادی، کریمی و ارغند (1399) نیز در مطالعه خود آثار نامطلوب و هزینه‌های ناشی از کند شدن رشد اقتصادی در سایه نرخ‌های بالای تورم را مورد تأکید خود قرار داده‌اند (Shahabadi, Karami, & Arghand, 2021). ضرایب بدست آمده برای نرخ ارز واقعی و ناطمینی نرخ ارز نیز به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها و تلاطم و شدت انتخاب در بازار صنایع مواد غذایی و آشامیدنی در دوره مورد بررسی است. همچنین ضریب متغیر رشد صنعت نیز سازگار با مبانی تئوریک و یافته‌های مطالعات تجربی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر تلاطم صنایع مواد غذایی و آشامیدنی در دوره مورد مطالعه می‌باشد. ضریب متغیر تحریم نیز دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر پویایی‌های ورود و خروج به بازار صنایع مواد غذایی و آشامیدنی است. ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی به عنوان متغیر کلان در مدل نیز دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر سطح تلاطم بازار در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در دوره زمانی مورد بررسی است.

5- جمع بندی و نتیجه‌گیری

هدف غایی این مطالعه، بررسی عوامل ساختاری و محیطی بر پویایی‌های بازار در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در ایران در دوره 1398 - 1388 با استفاده از داده‌های ترکیبی است. در این پژوهش علاوه بر متغیرهای ساختار بازار از متغیرهای کلان اقتصادی و متغیرهای کنترلی نرخ تورم، ناطمینی نرخ تورم، نرخ ارز واقعی و ناطمینی نرخ ارز واقعی برای بیان عوامل تأثیرگذار محیطی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در بخش صنعت مواد غذایی و آشامیدنی و پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به بازار به منظور ایجاد تصویر شفاف از انگیزه‌های شدت انتخاب در بازار و سایر تکاملی صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در ایران استفاده شده است. نتیجه مدل برآوردی در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی نشانگر تأثیر معنی‌دار و سازگار با مبانی تئوریک و یافته‌های مطالعات تجربی در رابطه با متغیرهای ساختار بازار در کنار متغیرهای محیطی و کنترلی بر تلاطم و پویایی‌های بازار در این صنعت در طی دوره مورد بررسی است. در این پژوهش با توجه به ضریب برآوردی متغیر صفرهای مقیاس می‌توان ادعان داشت که به علت کوچک بودن بازار اقتصاد ایران و الگوی مصرف و سطح درآمد خانوارها، صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در کشور از مزایایی صفرهای مقیاس برخوردار نمی‌باشد. ضریب مثبت و معنی‌دار متغیر نرخ ارز واقعی و ناطمینی نرخ ارز به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل برآوردی نیز موثر متغیر نرخ ارز واقعی و متغیر ناطمینی نرخ ارز بر انگیزه‌های شدت انتخاب و ایجاد تلاطم و نوسان در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در طی دوره مورد بررسی است. همچنین ضریب منفی متغیر تحریم که در این مطالعه، عدم دسترسی بنگاه‌های صنعتی مواد غذایی و آشامیدنی به ابزار مالی سوئیفت برای انجام مبادلات تجاری جهت تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنعت مواد غذایی و آشامیدنی کشور است به صورت مانع جدی در برابر انتقاع صنعت مورد نظر از مزایایی شدت انتخاب و پویایی‌های ورود و خروج بنگاه‌ها به صنعت که زمینه‌ساز رقابت‌پذیری و گسترش بازارهای صنعت مواد غذایی و آشامیدنی کشور می‌باشد عمل کرده است. اسدی و یآوری (1400) نیز در مطالعه خود به نقش محدودکننده تحریم‌های

بانکی بر واردات واردکنندگانی که فعالیتشان برای صنایع داخلی حیاتی است تاکید داشتند (Asadi & Yavari, 2022).

لذا بر اساس نتایج مطالعه پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش عوامل محیطی در میزان تلاطم در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی در راستای بهبود فضای کسب و کار و ایجاد فضای اقتصادی قابل پیش‌بینی برای فعالین اقتصادی حوزه صنایع مواد غذایی و آشامیدنی برنامه‌های عملیاتی کارا در جهت کاهش و کنترل نرخ تورم، ثبات و پیش‌بینی پذیری نرخ ارز و برطرف نمودن تحریم‌ها در دستور کار حاکمیت قرار گیرد. همچنین توسعه مرادوات تجاری با کشورهای همسایه در راستای استفاده از ظرفیت بازارهای خارجی کشورهای همسایه به منظور انتفاع از مزایایی صرفه‌های اقتصادی در صنعت مواد غذایی و آشامیدنی پیشنهاد می‌گردد.

Acknowledgments: Acknowledgments may be made to individuals or institutions that have made an important contribution.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: The authors received no financial support for the research, authorship, and publication of this article.

Reference

- Agarwal, R., & Gort, M. (1996). The evolution of markets and entry, exit and survival of firms. *The review of Economics and Statistics*, 489-498 .
- Asadi, Z., & Yavari, K. (2022). The effect of sanctions on financial instability of Iranian banks. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 18(4), 1-35. doi:10.22055/jqe.2020.30490.2131
- Asturias, J., Hur, S., Kehoe, T. J., & Ruhl, K. J. (2017). *Firm entry and exit and aggregate growth*. Retrieved from
- Audretsch, D. B. (2007). Entrepreneurship capital and economic growth. *Oxford Review of Economic Policy*, 23(1), 63-78 .
- Baltagi, B. H. (2008). *Econometric analysis of panel data* (Vol. 4): Springer.
- Baptista, R., & Karaöz, M. (2011). Turbulence in growing and declining industries. *Small Business Economics*, 36 .249-270 ,(3)
- Bascunana-Ambros, P., & Neto, A. (2019). Barriers to exit-Background note. In: Paris: OECD.
- Beesley, M. E., & Hamilton, R. T. (1984). Small firms' seedbed role and the concept of turbulence. *The Journal of Industrial Economics*, 217-231 .
- Benedetti Fasil, C., Sanchez-Martinez, M., Christensen, P., & Robledo-Bottcher, N. (2017). *Entry barriers and their macroeconomic impact in the EU: An assessment using QUEST III*. Retrieved from

- Bunch, D. S., & Smiley, R. (1992). Who deters entry? Evidence on the use of strategic entry deterrents. *The review of Economics and Statistics*, 509-521 .
- Couto, A., & Barbosa, N. (2020). Barriers to entry: An empirical assessment of Portuguese firms' perceptions. *European Research on Management and Business Economics* .55-62 ,(2)26 ,
- Fotopoulos, G., & Spence, N. (1998). Entry and exit from manufacturing industries: symmetry, turbulence and simultaneity-some empirical evidence from Greek manufacturing industries, 1982-1988. *Applied economics*, 30(2), 245-262 .
- Mata, J., Portugal, P., & Guimaraes, P. (1995). The survival of new plants: Start-up conditions and post-entry evolution. *International Journal of Industrial Organization*, 13(4), 459-481 .
- McAfee, P. R., Mialon, H. M., & Williams, M. A. (2004). What is a Barrier to Entry??. *Am. Econ. Rev.*, 94, 461, 461-465 .
- McGowan, M. A., & Andrews, D. (2016). Insolvency regimes and productivity growth: A framework for analysis .
- Ozturk, S., & Kilic, C. (2012). Patterns and determinants of entry and exit in Turkish manufacturing industries. *International Journal of Arts and Commerce*, 1(5), 107-118 .
- Peng, Q. (2019). Financial frictions, entry and growth: A study of China. *Review of Economic Dynamics*, 34, 267-282 .
- Resende, M., Ribeiro, E. P., & Zeidan, R. (2015). Dynamic entry and exit linkages in the Brazilian manufacturing industry: An econometric investigation. *International Journal of the Economics of Business*, 22(3), 379-392 .
- Rosado-Cubero, A. (2015). Barriers to entry vs. competitive strategy. *Cuadernos de Estudios Empresariales*, 25, 67 .
- Schmalensee, R. (1988). Industrial economics: an overview. *The economic journal*, 98(392), 643-681 .
- Shahabadi, A., Karami, B., & Arghand, H. (2021). The Effect of Economic Complexity on Inflation in the Selected Countries of Organization of Islamic Cooperation. *Quarterly Journal of Quantitative Economics* .

- Shapiro, D., & Khemani, R. S. (1987). The determinants of entry and exit reconsidered. *International Journal of Industrial Organization*, 5(1), 15-26 .
- Siegfried, J. J., & Evans, L. B. (1994). Empirical studies of entry and exit: a survey of the evidence. *Review of Industrial Organization*, 9(2), 121-155 .
- Sönmez, A. (2013). Firm entry, survival, and exit. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 2(9), 160-160 .

غیر قابل انتشار